



A Glimpse at the Principles of Education of Students with Special Needs from the Perspective of the Qur'an

Nasser Qolami¹

Qodratollah Marivani²

Received: 08/11/2021

Accepted: 22/02/2022

Abstract

In the teachings of the Qur'an, after Allah, human being is considered as the most fundamental issue. In issues related to human beings, education is especially important for people with special needs (exceptional children) and has a high status. In this study, which is of descriptive and document-analytical type, the principles of education of students with special needs and the basics resulting from these principles have been studied from the perspective of the Qur'an. These principles include paying attention to the human dignity of people with special needs, human beings having a common nature and different characteristics, human free will and the two principles of justice as the most basic social value and the supplementary goodness of justice. In this study, verses related to each of these principles were searched in the Holy Qur'an and in addition to describing the current conditions of education of students with special needs, their educational principles were examined from the perspective of the Qur'an and along with explanations related to each principle, verses with themes related to them were given in the study. Studies have indicated that for each of the principles of education of students with special needs, many verses are mentioned in the Holy Qur'an and the education of students with special needs today is very much in line with the teachings of this heavenly book by moving towards comprehensive education.

Keywords

The Qur'an, principles of education, students with special needs, comprehensive education.

1. M.A. in Psychology and Education of Exceptional Children, University of Tehran, Bijar, Iran. ghlamynsr4@gmail.com.

2. M. A. in Qur'anic Sciences, Bijar, Iran. gh.marivani@yahoo.com.

* Qolami, N., & Marivani, Q. (1400 AP). A Glimpse at the Principles of Education of Students with Special Needs from the *Perspective* of the Qur'an. *Journal of Qur'anic Sciences Studies*, 3(9), pp. 138-166. Doi: 10.22081/jqss.2022.62351.1148.

نظرة على أسس التعليم والتربية للطلبة من ذوي الاحتياجات الخاصة في المنظار القرآني

ناصر غلامي^١ قدرة الله مريواني^٢

تاريخ الاستلام: ٠٨ / ١١ / ٢٠٢١ تاريخ القبول: ٢٢ / ٠٢ / ٢٠٢٢

الملخص

يأتي الإنسان - بعد الله تعالى - في قمة قائمة مواضيع التعاليم القرآنية، كما أنّ التعليم والتربية - وبشكلٍ خاصٍّ لذوي الاحتياجات الخاصة (الأطفال المميزين) - يحظى بأهمية خاصة ومكانة عالية ضمن المواضيع ذات الصلة بالإنسان. وفي هذا التحقيق الذي هو من نوع الأبحاث الوصفية والوثائقية التحليلية نبحث عن أسس تعليم وتربية الطلاب من ذوي الاحتياجات الخاصة والأصول المترتبة على هذه الأسس من منظار القرآن. وهذه المجموعة من الأسس تتضمن مراعاة الكرامة الإنسانية للأفراد من ذوي الاحتياجات الخاصة، وامتلاك الناس لفطرة مشتركة وخصوصيات متفاوتة، وأنّ الإنسان هو كائنٌ مختار؛ ويتربّ على هذه الأسس أصليّ العدالة باعتبارها أهمّ القيم الاجتماعية، والإحسان الذي هو المتمم للعدالة. وقد تمّ البحث عن الآيات المعنيّة بكلّ واحدٍ من هذه الأسس في القرآن الكريم، وبيان الظروف الفعلية لتعليم وتربية الطلاب من ذوي الاحتياجات الخاصة وما ورد في القرآن الكريم من

١. ماجستير في علم النفس وتعليم الأطفال ذوي الاحتياجات الخاصة من جامعة طهران. بيجار. إيران.

ghlamynasr4@gmail.com

gh.marivani@yahoo.com

٢. ماجستير علوم قرآنية. بيجار. إيران.

* غلامي، ناصر؛ مريواني، قدرة الله. (١٤٤٣). نظرة على أسس التعليم والتربية للطلبة من ذوي الاحتياجات الخاصة في المنظار القرآني. مجلة دراسات في العلوم القرآنية (فصلية علمية - محكمة)،

Doi: 10.22081/jqss.2022.62351.1148

٣ (٩)، صص ١٣٨ - ١٦٦.

الأُسُس التي ينبغي مراعاتها في تربيتهم مع إرفاق التوضيحات الخاصة بكلّ واحدٍ من هذه الأُسُس بالآيات ذات الصلة بها. وأشارت نتائج التحقيق إلى ورود العديد من الآيات في القرآن الكريم لكلّ واحدٍ من أُسُس تعليم وتربية الطلاب من ذوي الاحتياجات الخاصة، وأنّ عملية تعليم وتربية الطلبة من ذوي الاحتياجات الخاصة في أيامنا هذه في حركتها نحو التعليم الشامل تنسجم إلى حدٍّ بعيدٍ مع تعاليم هذا الكتاب السماويّ.

المفردات المفتاحية

القرآن، أُسُس التعليم والتربية، الطلبة من ذوي الاحتياجات الخاصة، التعليم الشامل.

نگاهی به مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه از منظر قرآن

قدرت‌اله مریوانی^۲

ناصر غلامی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۲/۰۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۸/۱۷

چکیده

در آموزه‌های قرآن، پس از خدا انسان اساسی‌ترین موضوع به‌شمار آمده است. در موضوعات مربوط به انسان نیز تعلیم و تربیت به‌طور خاص برای افراد با نیاز ویژه (کودکان استثنایی)، از اهمیت خاص و جایگاه رفیعی برخوردار است. در این پژوهش که از نوع توصیفی و سندی - تحلیلی است، مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه و اصول مترتب بر این مبانی از منظر قرآن بررسی شده است. این مبانی شامل توجه به کرامت انسانی افراد با نیاز ویژه، برخورداری انسان‌ها از فطرت مشترک و خصوصیات متفاوت، مختاربودن انسان و دو اصل عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی و احسان متمم عدالت، اصول مترتب از این مبانی هستند. در این پژوهش آیات مرتبط با هر کدام از این مبانی در قرآن کریم جستجو گردید و در کنار توصیف شرایط فعلی آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیاز ویژه، مبانی تربیتی آنها از منظر قرآن بررسی شد و به همراه توضیحات مربوط به هریک از مبانی، آیاتی با مضامین مرتبط با آنها در پژوهش آورده شد. بررسی‌ها نشان داد برای هریک از مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه، آیات بسیاری در قرآن کریم آمده است و آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیاز ویژه امروزه با حرکت در جهت آموزش فراگیر بسیار با آموزه‌های این کتاب آسمانی هم‌راستا است.

کلیدواژه‌ها

قرآن، مبانی تعلیم و تربیت، دانش‌آموزان با نیاز ویژه، آموزش فراگیر.

۱. کارشناسی ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی دانشگاه تهران، بیجار، ایران (نویسنده مسئول).

ghlamynasr4@gmail.com

gh.marivani@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد علوم قرآنی، بیجار، ایران.

* غلامی، ناصر؛ مریوانی، قدرت‌اله. (۱۴۰۰). نگاهی به مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه از منظر قرآن.

فصلنامه علمی - ترویجی مطالعات علوم قرآن، ۳(۹)، صص ۱۳۸-۱۶۶. Doi:10.22081/jqss 2022.62351.1148

مقدمه و تبیین مسئله

در آموزه‌های قرآن، پس از خدا انسان اساسی‌ترین موضوع به‌شمار آمده است تا جایی که قرآن تأکید دارد انسان خود را بشناسد و جایگاه خود را در جهان تشخیص دهد تا خود را به مقام والایی (تقرب به خدا) که شایسته آن است برساند (شمس‌الدینی، ۱۳۹۹). در موضوعات مربوط به انسان نیز تعلیم و تربیت یک مقوله بسیار مهم است که از زمان پیدایش انسان وجود داشته است، با این تفاوت که در گذشته تعلیم و تربیت در حد مقدماتی و بدون اصول و روش و مبانی بوده است؛ ولی بعد از ظهور اسلام، تعلیم و تربیت شکل جدیدی به خود گرفت که امروزه با رشد علم و فناوری نیز شکل جدیدتری پیدا کرده است (احمدی، ۱۳۹۹). به‌طور خاص برای افراد با نیاز ویژه (کودکان استثنایی) نیز تعلیم و تربیت اهمیت ویژه و جایگاه رفیعی دارد.

رهنما، خاری آرانی و برخوردار (۱۳۹۶) با بررسی فلسفه تربیتی افراد با نیاز ویژه، به مبانی، اهداف و اصول تربیت افراد با نیاز ویژه پرداخته‌اند. آنها از میان چهار قسم مبانی فلسفی وجودشناسی، انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی و ارزش‌شناسی، دو قسم را برای تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه شناسایی کرده‌اند. آنها مبانی انسان‌شناختی تربیت افراد با نیاز ویژه را توجه به کرامت انسانی دانش‌آموزان با نیاز ویژه، برخورداری همه انسان‌ها از فطرت مشترک و خصوصیات متفاوت، مختاربودن انسان و مبانی ارزش‌شناختی تربیت افراد با نیاز ویژه را عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی، و احسان متمم عدالت برشمرده‌اند و اهداف تربیت را شامل رسیدن به فلاح، خودشناسی، تکریم و پرورش روحیه احترام، کاهش آسیب رشد از طریق مداخله زودهنگام و پرورش استعدادها ذکر کرده‌اند و اصول تربیت هم در پژوهش آنها شامل اصل «پرورش شخصیت با اتکا به عزت نفس»، اصل «پرورش خلاقیت»، اصل «فعالیت» و اصل «ایثار» است. از نظر نگارنده پژوهش حاضر، عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی و احسان متمم عدالت را می‌توان به‌عنوان اصولی مترتب از مبانی انسان‌شناختی ذکرشده در بالا دانست.

افراد با نیازهای ویژه^۱ که از تفاوت بین انسان‌ها نشئت می‌گیرند، همواره در طول تاریخ وجود داشته‌اند و دیدگاه‌های جوامع بشری نسبت به این گروه از انسان‌ها از گذشته‌های دور تا به امروز تغییرات چشمگیری داشته است و با آنها برخوردهای متفاوتی نیز شده است، به گونه‌ای که از زمان اسپارتی‌ها^۲ که این کودکان را می‌کشتند تا به امروز دوره‌های بدرفتاری و غفلت، ترحم و حمایت بیش از حد را از سر گذرانده و سرانجام به دوره پذیرش آنها رسیده است. وجود اصطلاحات و وضع قوانین گوناگون برای این افراد در امتداد زمان نیز از این موضوع حکایت دارد (کرک و گالاجر،^۳ ۱۹۲۶، صص ۵۱-۵۲). آموزش این افراد نیز در طول تاریخ فراز و فرودهای بسیاری را از سر گذرانده است. در پژوهش حاضر بر آن شدیم که بر مبانی تعلیم و تربیت افراد با نیاز ویژه که امروزه سعی بر اجرای آن در امر آموزش و پرورش این افراد داریم از منظر قرآن نگاهی بیندازیم؛ چراکه علی‌رغم وجود اصول و مبانی تربیتی و روش‌ها و راهکارهای روشنگرانه برای تعاملات انسان‌ها با یکدیگر و به‌طور خاص با افراد با نیاز ویژه در قرآن کریم که در این زمینه بسیار غنی است، در پژوهش‌ها و کتاب‌های مربوط به تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه، به وجود این اصول و مبانی در قرآن کریم، اشاره چندانی نشده است.

۱. روش پژوهش

با توجه به ماهیت موضوع و هدف اصلی پژوهش (مطالعه مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه از منظر قرآن) این پژوهش از نوع توصیفی و سند - تحلیلی هست. در پژوهش‌های سند تحلیلی، پژوهشگر علاوه بر توصیف دقیق وضعیت موجود،

1. Individual With Special Need.

۲. اهالی شهر باستانی اسپارت در شبه جزیره موره که پادشاهی به نام اسپارتون در سال ۱۸۸۰ قبل از میلاد آن را بنا کرده بود، اطفال سقط شده و علیل و ناتوان را از پرتگاهی به نام باراترون به پایین می‌افکندند (دهخدا، ۱۳۴۲، ذیل واژه).

3. Kirk & Gallagher.

به تشریح و تبیین مطالب پرداخته و برای انجام این کار از منابع اطلاعاتی موجود درباره موضوع مورد نظر، به عنوان اسناد کارش استفاده خواهد کرد. در پژوهش حاضر قرآن کریم و منابع علمی مرتبط در این زمینه به عنوان اسناد در نظر گرفته شده‌اند، و مبانی تربیت افراد با نیاز ویژه در قرآن جستجو گردید و در کنار توصیف وضع موجود شرایط آموزش و پرورش دانش آموزان با نیاز ویژه، مبانی تربیتی آنها از منظر قرآن مورد بررسی قرار گرفت.

۲. اهمیت تعلیم و تربیت در قرآن

قرآن کریم در آیه ۱۱ سوره مجادله بر اهمیت علم، برتری علما و رفعت مقام آنان تصریح کرده است: «يُؤْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ خداوند کسانی را که ایمان آورده‌اند و کسانی را که علم به آنان داده شده، درجات عظیمی می‌بخشد» واژه «دَرَجَاتٍ» در آیه، مطلق و بدون تعیین حد خاص برای آن به کار رفته است. چنین کاربردی در ادبیات قرآن کریم حاکی از عظمت و بزرگی آن است. تردیدی نیست که مقام علما نزد خداوند، همچون سایر مردم نیست و هرچه انسان عالم‌تر باشد، مقام و منزلت او نزد خداوند بیشتر است. قرآن کریم علاوه بر آیه بالا، در آیه ۹ سوره زمر نیز به این مطلب مهم اشاره دارد: «هَلْ يَشْتَوِي الَّذِينَ يِعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يِعْلَمُونَ؛ آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟!».

تعلیم تربیت افراد با نیاز ویژه از اهمیت مضاعفی برخوردار است؛ چراکه آنها به دلیل شرایط خاص ذهنی، جسمی، عاطفی و اجتماعی خود، حتی برای یادگیری مهارت‌ها و مسائل ساده نیز به آموزش نیاز دارند. این آموزش و توانبخشی باید به گونه‌ای باشد که با جلوگیری از اثرات بعدی آسیب‌دیدگی و کاهش پیامدهای منفی ناتوانی، فرصت رشد و یادگیری بیشتری را فراهم کند و این نوعی پیشگیری ثانویه محسوب می‌شود (اصغری نکاح، ۱۳۸۶).

۳. مفهوم کودکان با نیاز ویژه (استثنایی)

کلمه استثنایی واژه‌ای جامع و کلی است که به معنای دقیق کلمه شامل همهٔ انسان‌ها می‌شود؛ زیرا خلقت انسان از دیدگاه الهی، خلقتی ویژه و استثنایی است، با این حال کودک با نیاز ویژه (استثنایی) به افرادی خاصی گفته می‌شود و برای آن تعریف خاصی کرده‌اند. با توجه به تعریف قانون بهبود آموزش افراد با ناتوانی^۱ (آمریکا ۲۰۰۴م)، دانش‌آموزان با نیاز ویژه عبارت‌اند از: افراد دچار کم‌توانی ذهنی، آسیب‌های شنوایی، آسیب‌های گفتاری و زبانی، آسیب‌های بینایی، آشفتگی شدید هیجانی، آسیب‌های استخوانی، درخودماندگی، آسیب مغزی ضربه‌ای، سایر آسیب‌های سلامت یا ناتوانی‌های یادگیری. این افراد به دلیل چنین آسیب‌هایی به آموزش ویژه و خدمات وابسته نیاز دارند (اسمیت و همکاران، ۲۰۱۲). واژه معلول^۲ نیز به کسی گفته می‌شود که به علت نقص جسمی، ذهنی یا اختلال شدید رفتاری، مشکلات و مسائل خاص خود را دارند و به توجه فوق‌العاده نیازمندند. شایان ذکر است بین ناتوانی^۳ و معلول بودن تفاوت مهمی وجود دارد؛ ناتوانی، ضعف در انجام بعضی کارها و کمبود استعداد برای عمل به شیوهٔ خاص است؛ اما معلولیت نوعی نارسایی است که به شخص تحمیل می‌شود، از این رو ناتوانی با توجه به احوال ممکن است معلولیت نباشد، همچنین معلولیت ممکن است ناشی از ناتوانی نباشد (هالاها و کافمن، ۱۳۹۲). معلولیت یا به عبارت بهتر ناتوانی، به‌عنوان نقص جسم که شخص را از مواهب برخوردار دیگران محروم ساخته، از زوایای مختلف قابل بررسی است. صرف نظر از بررسی علل آن، آنچه بیش از همه در زندگی شخص با ناتوانی تأثیرگذار است، توجه به قابلیت‌های خود و تلاش برای رسیدن به اهداف قابل وصول زندگی و نقش جامعه (اعم از حاکمیت و سایر مردم) در مواجهه و برخورد با این قشر از افراد جامعه در راستای بهبود شرایط زندگی آنها است.

1. Individuals with Disabilities Educational Improvement Act (IDEA).

2. Handicap.

3. Disability.

۴. مبانی تعلیم و تربیت افراد با نیاز ویژه و اصول مترتب به این مبانی از منظر قرآن

در این پژوهش مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه و اصول مترتب از این مبانی از منظر قرآن بررسی شده است. این مبانی عبارت‌اند از برخورداری انسان‌ها از فطرت مشترک و خصوصیات متفاوت، توجه به کرامت انسانی دانش‌آموزان با نیاز ویژه و مختاربودن انسان و اصول مترتب از این مبانی شامل عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی و احسان متمم عدالت است.

قرآن کریم وجود نواقص در زندگی انسان را امتحانی از جانب پروردگار بیان کرده است (هرچند چنین امری به معنای نفی اسباب و مسببات عادی و نقش اختیار انسان نیست)؛ چنان‌که می‌فرماید: «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ * أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُهْتَدُونَ؛ قطعاً همه شما را با چیزی از ترس، گرسنگی و کاهش در مال‌ها و جان‌ها و محصولات (نباتی یا ثمرات باغ زندگی از زن و فرزند) آزمایش می‌کنیم، و بشارت ده به استقامت‌کنندگان! آنها که هرگاه مصیبتی به ایشان می‌رسد، می‌گویند ما از آن خداییم و به‌سوی او باز می‌گردیم. اینها همان‌ها هستند که الطاف و رحمت خدا شامل حالشان شده و آنها هدایت‌یافتگان هستند» (بقره، ۱۵۵-۱۵۷)؛ بنا بر این آیه، یکی از مصادیق امتحان، نقص در جان است؛ اما چنین امری مانع سلوک معنوی و سیر به کمال نخواهد بود؛ پس قرآن کریم صابران را به یاداش الهی بشارت داده است.

۴-۱. فطرت مشترک

یکی از مبانی تربیت افراد با نیاز ویژه در قرآن برخورداری انسان‌ها از فطرت مشترک است. قرآن کریم در آیات متعدد خلقت انسان‌ها را از یک طینت دانسته، اعلام می‌کند همه از «نفس واحده» خلق شده‌اند. در آیه اول سوره نساء می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ ای مردم! [خودتان را] از [عذاب] پروردگارتان حفظ کنید، همان کسی

که شما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را آفرید و از آن دو، مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت» و در آیاتی مانند زمر، ۶، انعام، ۹۸، اعراف، ۱۸۹، لقمان، ۲۸ به این موضوع اشاره شده است.

در آیه ۱۳ سوره حجرات نیز به حقیقت واحد و مشترک بین همه انسان‌ها اشاره شده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ؛ ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید (اینها ملاک امتیاز نیست). گرامی‌ترین شما نزد خداوند باتقواترین شما است. خداوند دانا و آگاه است». در این آیه تقوا عامل برتری افراد نزد پروردگار بیان شده است؛ بنابراین ممکن است شخص با ناتوانی به مراتب دارای جایگاه والاتری نزد خدای متعال بوده باشد. بر این اساس در آموزه‌های اسلامی، از برخورد نامناسب با کسانی که نقص عضو دارند یا تمسخر آنها، نهی شده است؛ چنان که می‌فرماید: «عَبَسَ وَ تَوَلَّىٰ * أَنْ جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ * وَ مَا يَدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزْكِي * أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ؛ چهره درهم کشید و روی برتافت! از اینکه نابینایی به سراغ او آمده بود، تو چه می‌دانی شاید او پاکی و تقوا پیشه کند یا متذکر گردد و این تذکر به حال او مفید باشد» (عبس، ۴-۱). افزون بر این در آیه ۱۱ سوره حجرات هم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا يَسْخَرْ قَوْمٌ مِنْ قَوْمٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِنْ نِسَاءٍ عَسَىٰ أَنْ يَكُنَّ خَيْرًا مِنْهُنَّ وَلَا تَلْمِزُوا أَنْفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِالْأَلْقَابِ بِئْسَ الْأَشْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَنْ لَمْ يَشُبْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید! نباید گروهی از مردان شما گروه دیگر را مسخره کنند، شاید آنها از اینها بهتر باشند و نه زنانی زنان دیگر را شاید آنان بهتر از اینان باشند و یکدیگر را مورد طعن و عیب‌جویی قرار ندهید و با القاب زشت و ناپسند یکدیگر را یاد نکنید، بسیار بد است که بر کسی پس از ایمان نام کفرآمیز بگذارید و آنها که توبه نکنند، ظالم و ستمگرند». همچنین قرآن کریم سنت‌های غلط فرهنگ رایج در زمان جاهلیت در تبعیض میان افراد سالم و معلول را نکوهش کرده است؛ چنان که می‌فرماید: «أَلَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ ثَمَرِهِمْ؟ بر نابینا و

افراد لنگ و بیمار گناهی نیست [که با شما هم غذا شوند] و بر شما نیز گناهی نیست که از خانه‌های خودتان [خانه‌های فرزندان یا همسرانتان که خانه خود شما محسوب می‌شود بدون اجازه خاصی] غذا بخورید» (نور، ۶۱). با تکیه بر این دیدگاه قرآنی که بر فطرت مشترک همه انسان‌ها صرف نظر از تفاوت‌های نژادی و ناتوانی‌های آنها تأکید دارد، باید افراد با نیاز ویژه به‌عنوان یک شهروند از حقوق و شرایط آموزشی، مسکن، اشتغال و تفریحات مناسب و برابر برخوردار باشند و نگرش جامعه نسبت به آنها به این صورت باشد که آنها ابتدا انسان هستند، بعد یک فرد با نیاز ویژه، نباید ناتوانی افراد به همه ابعاد وجودی آنها سایه بیفکند. این دیدگاه زیربنای تفکر عادی‌سازی است که در ادامه به آن پرداخته شده است.

۲-۴. خصوصیات متفاوت

یکی دیگر از مبانی تربیت افراد با نیاز ویژه خصوصیات متفاوت فردی است. در آیاتی از قرآن کریم، به انتظارات منطبق با توانمندی افراد تأکید شده است و برخی تکالیف از افراد با ناتوانی ساقط شده است؛ برای مثال در آیات ۹۷ و ۹۸ سوره نساء آمده است: «أَلَمْ تَكُنْ أَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا... إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا؛ آیا زمین خداوند وسیع نبود تا در آن [از محیط کفر به محیط اسلام] مهاجرت کنید؟.. مگر ناتوان‌شدگان از مردان و زنان و کودکان [در دست قدرتی حاکم یا جوی مانع از تحصیل معارف] که هیچ چاره‌ای نداشته و به هیچ نحوی [برای هجرت] راه نیابند». در آیه ۱۷ سوره فتح نیز خداوند می‌فرماید: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ؛ بر نابینا و لنگ و بیمار گناهی نیست [اگر در میدان جهاد شرکت نکنند]». نمونه دیگری از توجه به توانمندی افراد در انجام تکلیف در آیه ۲۸۶ سوره بقره آمده است که می‌فرماید: «لَا يَكُلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَ عَلَيْهَا مَا اكْتَسَبَتْ؛ خداوند هیچ کس را جز به اندازه توانایی‌اش، تکلیف نمی‌کند. [انسان] هر کار [نیکی] را انجام دهد، برای خود انجام داده و هر کار [بدی] کند، به زیان خود کرده است». در راستای

تأکید آیات قرآنی به توجه بر تفاوت‌های فردی، امروزه براساس اصل تطابق و مناسب‌سازی آموزش و پرورش دانش‌آموزان ویژه، نظام تعلیم و تربیت با پذیرش اصل تفاوت‌های فردی موظف است با اتخاذ تدابیر و تمهیدات مناسب براساس نیاز دانش‌آموزان با ایجاد و شکل‌دهی مدارس انطباقی و مناسب‌سازی شده، فرایند رشد را تسهیل و گام‌های مؤثری را در جهت جبران و کاهش محدودیت‌ها بردارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹).

خداوند در مواردی نه چندان اندک، از اختلاف مظاهر طبیعی و امور تکوینی سخن به میان می‌آورد و آن را به‌عنوان آیات الهی برمی‌شمارد. در آیات متعددی به این امر مهم اشاره شده که هیچ انسانی با دیگر هم‌نوعان به یک شکل نیست، هر انسانی در افکار و روحیات و سلیق خود، جهان پهناور خود را دارد و حتی سرانگشت یک انسان با انسان دیگری همسان نیست. برای نمونه، ما به تعدادی از آیات که با صراحت به تفاوت‌های افراد انسانی در اخلاق، رفتار، زبان و سایر تفاوت‌ها می‌پردازد، اشاره می‌کنیم: «وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالاخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَ اَلْوَانِكُمْ اِنَّ فِى ذٰلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ»؛ و از آیات او، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تفاوت زبان‌ها و رنگ‌های شما است و در این تفاوت‌ها نشانه‌هایی برای عالمیان است». همچنین در آیه ۳۰ سوره روم، آیه ۳ سوره رعد، آیه ۲۸ فاطر و آیه ۱۳ سوره حجرات، آیه ۲۱ سوره اسرا و آیه ۳۲ سوره زحرف به تفاوت‌ها و تنوع موجود در آفرینش انسان‌ها و جهان هستی اشاره شده است.

درواقع سخن از افراد با نیاز ویژه (کودکان استثنایی) سخن از تفاوت‌ها است. کلمه استثنایی واژه‌ای جامع و کلی است که به معنای دقیق کلمه شامل همه انسان‌ها می‌شود؛ زیرا آفرینش انسان از دیدگاه الهی آفرینشی ویژه و استثنایی است: «وَقَدْ خَلَقَكُمْ اَطْوَارًا؛ خالق انسان‌ها هر نفسی را به گونه‌ای خاص می‌آفریند» (نوح، ۱۴) و هر انسانی با سایر هم‌نوعان خود از جهات مختلف متفاوت است. به سبب همین آفرینش ویژه و اختصاصی انسان است که اسلام ارزش وجودی هر فرد را برابر با ارزش همه انسان‌ها می‌داند (رک: مانده، ۳۲). این ارزش وجودی انسان به‌رغم همه تفاوت‌ها و ویژگی‌های

خاص فردی، از آن همه انسان‌ها است (افروز، ۱۳۸۰)؛ البته شباهت‌های بسیاری نیز بین دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و دانش‌آموزان عادی وجود دارد که تا همین اواخر نادیده گرفته می‌شدند و اغلب به تفاوت‌های آنها توجه می‌شد؛ ولی امروز به شباهت‌های آنها بیشتر توجه می‌شود (هالاها و کافمن، ۱۳۹۲). این بدین معنا است که نباید اجازه دهیم توجه به ناتوانی‌های افراد با نیازهای ویژه ما را از دیدن توانمندی‌های آنان باز دارد، بلکه باید با تأکید بر توانمندی آنها در تعلیم و تربیت‌شان بکوشیم.

در نگاه اول تربیت به معنای شکل‌دادن و بارآوردن افراد است که مطابق اهداف از پیش تعیین شده باشد. چنین نگاهی به تربیت، یعنی تربیت را با صنعت یکی دانسته‌ایم. نتایج به‌دست‌آمده حاکی از آن است که تربیت دو گونه است: گونه اول بیشتر در مورد ساختن صدق می‌کند؛ گونه دوم به معنای به‌فعلیت‌رساندن استعدادهای درونی بالقوه یک شیء است. همچنین تربیت تغییردادن نیست، بلکه نمایان‌ساختن از خمیر مایه درونی کودک است تا کودک همانی شود که طبیعت و فطرتش اقتضا می‌کند (خادمی آستانه، ۱۳۹۹).

باید افزود انسان و محوریت وجودی او بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطرح‌شده در قرآن است و آن‌گونه که این کتاب آسمانی ماهیت وجودی انسان را ترسیم کرده، در هیچ‌یک از کتاب‌های آسمانی دیگر نیامده است.

۳-۴. توجه به کرامت انسانی دانش‌آموزان با نیاز ویژه

یکی دیگر از مبانی تربیت افراد با نیاز ویژه توجه به کرامت انسانی دانش‌آموزان با نیاز ویژه است که در قرآن مورد توجه فراوان بوده است، مثلاً در آیه ۷۰ سوره اسراء که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ به یقین ما فرزندان آدم را کرامت دادیم و آنها را بر مرکب در خشکی و دریا سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم». همچنین خداوند پس از آفرینش انسان، خودش را احسن الخالقین معرفی کرده است (ر.ک: مؤمنون ۱۴)؛ چراکه ساختار وجودی انسان بهترین سازوکار آفرینش است که دارای ظرفیتی بس

شگرف و استعدادی والا است و چنان گوهر وجودی‌ای دارد که سایر مخلوقات در جهت بهره‌وری وی پدید آمده‌اند تا آنجا او را برتری داد که فرشتگان را امر کرد به تعظیم او بپردازند و تمام این امور تنها بر یک حقیقت اذعان دارد و آن اینکه انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است. این کرامت بالقوه در تمامی ابنای بشر نهاده شده و او باید با طی کردن مسیر کمال و افزودن درجات این قوه را به فعلیت درآورد. قرآن کریم ساختار وجودی انسان را بهترین ساختار وجودی دستگاه آفرینش می‌داند و می‌فرماید: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ؛ ما انسان را در نیکوترین صورت [در مراتب وجود] بیافریدیم» (تین، ۴) و انسان را به‌عنوان نماینده و جانشین خود در زمین قرار داده است (ر.ک: بقره، ۳۰)؛ از همین روی، در بین تمام آفریده‌های جهان، او را با کرامت خاص (اسراء، ۷۰)، مقام ویژه‌ای بخشیده است. آدمی خلیفه خدا در زمین و عهده‌دار شکوفاسازی امانت‌هایی است که در نهان خانه ضمیرش جای دارد. انسان دارای ظرفیت بی‌حد و استعداد بی‌نهایت و خواهان رسیدن به نامحدود است.

بنابراین با توجه به آنچه درباره کرامت و فضیلت ذاتی انسان گفته شد، افراد با نیاز ویژه به صرف انسان‌بودنشان باید محترم شمرده شوند و از حقوق مسلم خود برای حضور در جامعه و ایفای نقش و اثرگذاری در جامعه بهره‌مند شوند که امروزه با انتقال دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به مدارس عادی اقدامات بزرگی در این راستا صورت گرفته است. این جنبش با نهضت عادی‌سازی از سال ۱۹۷۲ شروع شد که مفهوم عادی‌سازی زیربنای اصلی رشد خدمات انسانی و اجتماعی برای دانش‌آموزان با ناتوانی بود. این سیر رو به پیشرفت در اواسط دهه ۱۹۷۰ با وضع قانون عمومی ۹۴-۱۴۲ (قانون آموزش همه کودکان معلول) و قانون محیط با کمترین محدودیت، با جدیت ادامه یافته و اصطلاحاتی مانند یکپارچه‌سازی^۱ در آمریکا و برنامه آموزش تلفیقی در انگلستان و مفاهیمی از قبیل نهضت مؤسسه‌زدایی^۲، خدمات و توانبخشی محله‌محور^۳، مراقبت‌های

1. Integration.
2. Deinstitutionalization.
3. Community – Based Rehabilitation.

اجتماعی و آموزش فراگیر^۱ به طور گسترده به کار رفته و رواج پیدا کرده است (لورمن، دپلر و هاروی،^۲ ۱۳۹۱).

از میان این اصطلاحات آموزش فراگیر عبارت است از تلفیق کامل کودکان با توانایی‌های گوناگون در همه جنبه‌های تحصیلی که دیگر کودکان قادر به دسترسی و لذت بردن هستند. به منظور برآوردن نیازهای همه کودکان، آموزش فراگیر در برنامه‌های همه مدارس و کلاس‌های عادی تغییر ایجاد کرده، تفاوت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهد و با ارزش می‌داند. این تعریف بدین معنا نیست که کودکان با توانایی‌های گوناگون در صورت نیاز، کمک‌های تخصصی یا آموزشی از بیرون از کلاس درس دریافت نخواهند کرد، بلکه در مقابل، آن را فقط یکی از راه‌های متعدد در دسترس و مورد نیاز همه کودکان می‌داند (لورمن، دپلر و هاروی، ۱۳۹۱)؛ البته به عنوان یک مفهوم و موضوع پژوهشی تعریف‌های آموزش فراگیر وابسته به چشم‌انداز، نقطه آغاز، گروه هدف و رویکردهای روش‌شناختی شکل‌های گوناگونی به خود گرفته است (گورانسون و نیلهولم،^۳ ۲۰۱۴).

باید افزود که به طور کلی ارائه خدمات به دانش‌آموزان با نیاز ویژه از آغاز چهار مرحله مجزا داشته است: جداسازی نسبی،^۴ یکپارچه‌سازی، فراگیرسازی و اختیار^۵ یا خودمختاری.^۶ در مرحله جداسازی نسبی که ۶۰ تا ۷۰ سال قرن بیستم را در بر می‌گیرد، دانش‌آموزان یا در مدرسه‌های دولتی پذیرفته نمی‌شدند یا تنها اجازه داشتند در فضاهای جداسازی شده حاضر شوند. در مرحله یکپارچه‌سازی که از دهه ۱۹۷۰ آغاز شد، دانش‌آموزان با ناتوانی در زمان مناسب به برنامه‌های عمومی آموزشی هدایت یا در آن تلفیق می‌شدند و در طول مرحله فراگیرسازی که از میانه دهه ۱۹۸۰ آغاز شد بر

1. Inclusive Education.
2. Loreman, Deppeler & Harvay.
3. Goransson & Nilholm.
4. Relative Isolation.
5. Empowerment.
6. Autonomy.

گنجاندن دانش آموزان با ناتوانی در همه برنامه‌ها و فعالیت‌های مدرسه عادی تأکید شد. این مرحله یک تفاوت کوچک، ولی اساسی با یکپارچه‌سازی داشت؛ با اینکه در هر دو شرایط دانش آموزان با ناتوانی در کلاس عمومی حضور دارند، در مرحله فراگیرسازی دانش آموزان با نیاز ویژه به کلاس عمومی تعلق دارند؛ ولی در یکپارچه‌سازی دانش آموزانی به‌شمار می‌آیند که آموزش ویژه می‌دیدند و بیشتر به منظور اجتماعی شدن به صورت پاره وقت در کلاس عمومی جای داده می‌شدند. به‌تازگی مرحله چهارم ارائه خدمات یعنی اختیار و خودمختاری محور تلاش‌های فراگیرسازی قرار گرفته است.

۴-۴. مختاربودن انسان

یکی دیگر از مبانی تربیت افراد با نیاز ویژه مختاربودن انسان است. این مبنا بر این هدف اشاره دارد که دانش آموزان آمادگی بیشتری برای دست یافتن به بالاترین میزان استقلال پیدا کنند (اسمیت و همکاران ۲۰۱۲، ترجمه همتی علمدارلو، حسین خانزاده و علیزاده ۱۳۹۵). به‌طور کلی بحث در زمینه خودمختاری در اینجا، بر مشارکت دادن افراد با ناتوانی در تصمیم‌گیری‌های مهم که به زندگی شخصی و تحصیلی آنها اثرگذار است اشاره دارد. در این راستا یافته‌های پژوهش نبوی (۱۳۹۹) حاکی از آن است که با توجه به نظریات صاحب‌نظران، اختیار و انتخاب آگاهانه از مهم‌ترین مؤلفه‌ها در دوره ابتدایی است. در پژوهش گفته‌شده و در ادبیات قرآنی از واژه خیرگزینی برای این مؤلفه استفاده شده است. از آنجا که فرایند خیرگزینی، طی مراحل ذهنی و عقلانی و از طریق مقایسه و ترجیح به انتخاب بهترین امر در لحظه منجر می‌شود؛ پس تفکر و تعقل مهم‌ترین امری است که در این فرایند لازم می‌شود. همچنین تفکری منجر به خیرگزین شدن فرد می‌شود که مبنادار و جهت‌دار باشد و مبنای آن، الهی باشد. در نتیجه آرمان تربیتی که برای دوره ابتدایی و به‌منظور خیرگزین شدن کودک پیشنهاد می‌شود، فعال‌شدن تفکر مبنادار است و لازم است در این راستا انواع تفکر از جمله تفکر مشاهده‌ای و تفکر شنیداری در کودک فعال شود و ارتقا یابد.

با نگاهی اجمالی به قرآن کریم درمی‌یابیم که از منظر قرآن، انسان موجودی مختار است. اصولاً آمدن پیامبران و نزول کتاب‌های آسمانی، بی‌آنکه انسان مختار باشد، کاری بیهوده است. همین امر دلالت دارد بر اینکه خدا و پیامبران، آدمی را مختار می‌دانند؛ به‌علاوه اینکه خداوند در قرآن انسان را مسئول تعیین سرنوشت خود دانسته و در آیه ۱۱ سوره رعد فرموده است: «إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ؛ خدا حال هیچ قومی را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را تغییر دهند». از نشانه‌های اختیار در آیات قرآن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. ابتلا و آزمایش نشانه اختیار (مطهری، ۱۳۹۵): آیاتی که در زمینه ابتلا و آزمایش انسان وارد شده است، از نشانه‌های اختیار در آیات قرآن هستند، از جمله آیه ۲ سوره انسان: «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا؛ ما انسان را از نطفه آمیخته‌ای آفریدیم و او را می‌آزماییم. [بدین جهت] او را شنوا و بینا قرار دادیم» و آیه ۷ سوره کهف: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ ما آنچه را روی زمین است زینت آن قرار دادیم، تا آنها را بیازماییم که کدامشان بهتر عمل می‌کنند».

۲. وعده و وعید: همچنین آیاتی که در زمینه وعده و وعید در قرآن آمده است از نشانه‌های اختیار انسان‌اند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۱۵) از اوصاف پیامبران در قرآن «مبشّر» و «منذر» بودن است. این اوصاف حکایت از این دارد که قرآن انسان را کاملاً مختار می‌داند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ؛ مردم یک دسته بودند، خداوند پیامبران را مبعوث کرد تا مردم را بشارت و بیم دهند» (بقره، ۲۱۳). تبشیر این است که پیامبران به بشر، برای انجام دادن کارهای خوب وعده‌های نیکو بدهند و انداز آن است که او را از عواقب دنیوی و اخروی کارهای بد بهراسانند؛ قرآن در آیاتی مثلاً در (فاطر، ۲۴) و (ملک، ۸) حتی به جای آنکه بگوید پیامبر فرستادیم، می‌فرماید: «نذیر» گسیل داشتیم، همه این امور از وعده و وعید و بشارت و انداز، تنها در مورد موجود مختار معنا دارد.

۳. عهد و میثاق: دسته دیگر از آیات بیانگر اختیار انسان، آیات عهد و میثاق خدا با

عموم یا دسته‌های خاصی از انسان‌ها است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱)؛ برای نمونه می‌فرماید «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ * وَ أَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ؛ ای فرزندان آدم آیا با شما عهد نکردم که شیطان را نپرستید که او برای شما دشمن آشکاری است؟ و اینکه مرا پرستید که راه مستقیم این است» (یس، ۶۱ - ۶۰). اگر انسان مجبور باشد و از خود اختیاری نداشته باشد، عهد خدا با وی، کار لغوی است. همچنین در آیه ۸۳ سوره بقره و آیه ۷ سوره احزاب، «میثاق خاص» آمده است. همه این آیات، اعم از میثاق عام یا خاص، نشانه اختیار انسان است. علاوه بر دلیل‌های نقلی و عقلی، آدمی با علم حضوری نیز درمی‌یابد که مختار است. در بسیاری از موارد، انسان وقتی بر سر دوراهی قرار می‌گیرد، بدون اینکه جبری در کار باشد، با اختیار خود یکی از دو راه را انتخاب می‌کند.

همان‌طور که پیشتر گفته شد اخیراً اختیار و خودمختاری به‌عنوان مرحله چهارم ارائه خدمات، محور تلاش‌های فراگیرسازی قرار گرفته است. با این استدلال که باید در فرایند تعلیم و تربیت، افراد با نیاز ویژه برای تصمیم‌گیری‌های مؤثر در زندگی تربیت شوند و آماده گردند و تا حد امکان به استقلال دست یابند. تحقیقات نشان می‌دهد توسعه مهارت‌های مرتبط با خودتعیین‌گری^۱ به‌طور مثبت بر رسیدن به اهداف مرتبط با آموزش، اشتغال، مشارکت اجتماعی و پیامدهای کیفیت زندگی برای دانش‌آموزان با ناتوانی‌ها تأثیر می‌گذارد (برای مثال ر.ک: برک و همکاران، ۲۰۱۸)؛ بنابراین رویه پیش روی آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیاز ویژه با اختیار انسان که از قرآن کریم استدلال شد، همسو است.

۵. اصل عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی

یکی از اهداف مهم طرفداران نهضت عادی‌سازی، جلوگیری از مشکلات و عواقب ناگوار جداسازی است. آنها نهضت خود را فرایندی برای ایجاد فرصت‌های برابر برای

1. self-determination.

آموزش و رشد تمامی افرادی که قادرند در یک محیط عادی رشد و در فضای واقعی، زندگی اجتماعی را تجربه کنند، تعریف می‌کنند. عدالت به‌عنوان اساسی‌ترین ارزش اجتماعی یکی از اصول تربیت افراد با نیاز ویژه است که از منظر قرآن بررسی شد. به‌طور طبیعی و منطقی حقوق آنجا پدید می‌آید که انسان‌ها برابر با یکدیگر فرض شوند. این برابری در قرآن به‌وضوح منعکس شده است. قرآن همه انسان‌ها را از یک ریشه دانسته و برابر شمرده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ؛ او است آن کسی که شما را از یک نفس آفریده است» (انعام، ۹۸). منشأ پیدایش همه آدمیان یکی است؛ از این رو هیچ کس بر کس دیگری برتری ذاتی ندارد. تنها برتری نزد قرآن به شخصیت افراد است که از طریق تفکر و عبادت ارتقا می‌یابد. قرآن در جایی دیگر می‌گوید که همه انسان‌ها از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند که علاوه بر اینکه به تساوی ذاتی همگان دلالت می‌کند، نشان می‌دهد انسان‌ها با هم برادرند و باید با روح برادری با یکدیگر تعامل نمایند. همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، قرآن کریم در آیه ۱۳ سوره حجرات، تقوا را عامل برتری افراد نزد پروردگار می‌داند؛ بنابراین ممکن است شخص با ناتوانی به مراتب دارای جایگاه والاتری نزد خدای متعال بوده باشد.

برابری انسان‌ها از جنبه‌های مختلف در قرآن آمده است که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. برابری انسان‌ها از لحاظ خلقت و آفرینش: قرآن کریم در آیات متعدد آفرینش انسان‌ها را از یک طینت دانسته و اعلام می‌کند همه از «نفس واحد» خلق شده‌اند. در آیه اول سوره نساء و در آیاتی مانند زمر، ۶، انعام، ۹۸، اعراف، ۱۸۹، لقمان، ۲۸ به این موضوع اشاره شده است.

۲. برابری از جهت هدایت و رسیدن به کمال: در سوره انسان، آیه ۳ آمده است: «إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا؛ در واقع ما او را به راه [راست] راهنمایی کردیم، در حالی که یا سپاسگزار است یا بسیار ناسپاس است». در آیه ۲۶ سوره نساء نیز می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ؛ خدا می‌خواهد [این قوانین را] برای شما روشن بیان کند و شما را به روش‌های

[صحیح] کسانی که پیش از شما بودند، رهنمون شود و توبه شما را بپذیرد و خدا دانای فرزانه است». همچنین در آیاتی مانند رعد، ۷، بقره، ۳۸، کهف، ۵۵، طه، ۱۲۳، قصص، ۴۳، جاثیه، ۱۱، محمد، ۲۵ به این موضوع اشاره شده است.

۳. برابری از لحاظ ثواب و عقاب: در این راستا در آیه ۱۹۵ سوره آل عمران آمده است: «فَاسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ...؛ پس پروردگارش آنان را پاسخ داد که من کار هیچ عمل کننده‌ای از شما را از مرد یا زن، تباہ نکنم...». همچنین در آیه ۱۱۲ سوره طه می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا؛ و هر کس برخی [کارهای] شایسته انجام دهد، درحالی که او مؤمن باشد، پس از هیچ ستم و کاستی [پاداش] نمی‌ترسد» و آیاتی مثل نحل، ۹۷، غافر، ۴۰، زلزله، ۸-۷، تغابن، ۹، طلاق، ۱۱، انعام، ۱۳۲، توبه، ۱۲۱، هود، ۱۱۱، اسراء، ۹ و... می‌تواند به این موضوع اشاره داشته باشد.

۴. برابری از نظر توبه، عفو و بخشش: در این زمینه آیه ۱۱۰ سوره نساء می‌فرماید: «وَمَنْ يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ اللَّهَ غَفُورًا رَحِيمًا؛ و هر کس کار بدی انجام دهد، یا بر خویشتن ستم کند، سپس از خدا آمرزش بخواهد، خدا را بسیار آمرزنده مهرورز خواهد یافت». همچنین آیاتی مانند نساء، ۱۷؛ فرقان، ۷۰؛ بقره، ۳۷؛ بقره، ۱۶۰؛ توبه، ۱۱۸؛ توبه، ۱۶۰؛ نساء، ۱۶؛ نور، ۱۰؛ شوری، ۲۵؛ هود، ۹۰ به این موضوع اشاره دارد.

۵. مساوات و برابری از جهت مکلف بودن برای تکالیف الهی: در آیه ۴۳ سوره بقره آمده است: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ؛ و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید و با رکوع کنندگان رکوع کنید» و آیه ۸۳ سوره بقره می‌فرماید: «وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُعْرِضُونَ؛ و با مردم نیکو سخن گوید و نماز را برپا دارید و زکات را پردازید. سپس جز اندکی از شما، روی برتافتید، درحالی که شما رویگردان بودید» و آیاتی مانند بقره، ۱۱۰، نساء، ۷۷ و ۱۰۳، انعام، ۷۲، اعراف، ۲۹، یونس، ۸۷، حج، ۷۸ می‌تواند به این موضوع اشاره داشته باشد.

۶. برابری از لحاظ تعلیم و تعلم: آیه ۵ سوره علق می‌فرماید: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ؛ به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت» و در آیه ۹۱ سوره انعام آمده است: «وَعَلَّمْتُم مَّا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا آبَاؤُكُمْ قُلِ اللَّهُ ثُمَّ ذَرْهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ؛ و حال آنکه آنچه را شما و پدرانتان نمی‌دانستید، [به وسیله آن] آموزش داده شدید. بگو: خدا! سپس آنان را در فرورفتنشان [در باطل] رها کن؛ درحالی که بازی می‌کنند!» همچنین آیاتی مانند الرحمن، ۴، بقره، ۱۲۹، آل عمران، ۱۶۴، جمعه، ۲ می‌تواند به این موضوع اشاره داشته باشد.

۷. برابری از جهت توانایی کسب تقوا و برتری در پیشگاه خدا: در آیه ۱۳ سوره حجرات آمده است: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ؛ درحقیقت ارجمندترین شما نزد خدا پرهیزکارترین شما است». با توجه به آنچه ذکر شد، از منظر قرآن برابری حقوق انسان‌ها بدون توجه به تفاوت‌های نژادی و قومیتی و ویژگی‌های ظاهری و ناتوانی و معلولیت، اهمیت ویژه‌ای دارد. گفتنی است سخن از عدالت و برابری در آموزش و تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه به این معنا نیست که به این افراد دقیقاً همانند سایر همسالانشان آموزش داده شود، بلکه به معنای ایجاد شرایط مناسب بروز حداکثر توانمندی و قابلیت‌های بالقوه، برای همه افراد (اعم از افراد با ناتوانی و افراد عادی) است تا اینکه افراد با نیاز ویژه هم بتوانند همانند همسالان عادی خود به یک استقلال نسبی فردی، اجتماعی و اقتصادی دست یابند، به گونه‌ای که بتوانند ضمن احساس خود ارزشمندی فرد مفیدی در جامعه باشند.

در قوانین ایران به‌طور خاص به کودکان دارای نیازهای ویژه و حقوق آنها اشاره نشده است، ولی با جستجو در قوانین مختلف، می‌توان نمونه‌هایی از توجه قانونگذار به این کودکان را ملاحظه کرد که ذیل دو عنوان برابری از حیث حقوق اجتماعی و حقوق کیفری قابل تبیین است. در خصوص برابری از حیث حقوق اجتماعی، تمرکز بر جنبه ایجابی و فراهم آوردن امکاناتی به‌منظور پرورش استعدادها و قابلیت‌های این کودکان است و در خصوص برابری از حیث عدالت کیفری نیز هدف قانونگذار حمایت از کودکان استثنایی در برابر بزه‌دیدگی و سوءاستفاده است (سلطانی کوهبانی و غلامی، ۱۳۹۷).

در نگاه قرآن، جامعه از افراد تشکیل شده و هر کس به تنهایی تجلی گاه ارزش‌هایی است که جامعه دارد. قرآن توجه به فرد انسانی را توجه به همه افراد می‌داند، بدان گونه که اگر کسی یک نفر را به قتل برساند، همانند این است که همه مردمان را به قتل رسانده و اگر موجبات احیا و زندگی یک نفر را فراهم نماید، همانند این است که همه مردم را زنده کرده است (مانده، ۳۲)؛ بنابراین از نظر قرآن توجه به نیازها و حقوق تک‌تک افراد جامعه حائز اهمیت و ضروری است که این موارد در دلایل طرفداران نهضت عادی‌سازی نیز مشهود است.

طرفداران نهضت عادی‌سازی در دفاع از نهضت خود سه دلیل ارائه می‌کنند:

۱. از منظر حقوق بشر معتقدند برخورداری از یک نظام تربیتی مناسب برای ایفای نقشی مطلوب در جامعه به‌عنوان یک شهروند شایسته، یکی از نیازهای اساسی و حیاتی هر فرد قلمداد می‌شود.

۲. دلیل دیگر بر عادی‌سازی را پذیرش اجتماعی و پرهیز از برجسب‌زنی می‌دانند؛ مثلاً بیکلن^۱ (۱۹۸۲) معتقد است ناتوانی یک خصیصه یا ویژگی شخصی (مانند رنگ مو، قد، رنگ چشم و...) است، پس ضرورتی ندارد که این ویژگی خاص را برجسته کنیم و فرد را براساس آن شناسایی کنیم، یا براساس این ویژگی با او تعامل اجتماعی داشته باشیم. آموزش فراگیر در جهت برجسب‌زدایی و افزایش پذیرش اجتماعی این افراد مطرح شده است در این راستا گوتلیب^۲ (۱۹۸۱) پیش‌بینی کرده است که از طریق برنامه‌های تلفیقی امکان دارد نگرش افراد عادی نسبت به افراد با نیازهای ویژه از حالت منفی به حالت خنثی یا حتی به حالت مثبت تغییر کند.

۳. سومین دلیل طرفداران این نهضت، اجتماعی شدن است. روان‌شناسان یادگیری اجتماعی معتقدند کودکان همه رفتارهای اجتماعی را یاد می‌گیرند و همچنین بر این باورند که یادگیری غیررسمی مانند تقلید و الگوبرداری به‌ویژه هنگام کودکی نسبت به

1. Biklen.

2. Gottlieb.

یادگیری رسمی و مستقیم از اهمیت بیشتری برخوردار است (بندورا، ۱۹۷۷، به نقل از: سیف، ۱۳۸۷). فرایند عادی سازی فرصت‌های خوبی را برای افراد با نیازهای ویژه فراهم می‌کند تا از تجربه‌های همانندسازی با افراد عادی بهره‌مند شوند (لورمن و دیگران، ۱۳۹۱). یکی از بهترین روش‌های تربیت، ارائه الگو و نمونه عینی، برای تربیت عملی است. از آنجاکه انسان به الگوپذیری گرایش ذاتی دارد، روش ارائه الگو برای تربیت بسیار مؤثر است. خداوند متعال در قرآن کریم، پیامبر اکرم ﷺ را بهترین الگوی انسان کامل و تام معرفی کرده است (احزاب، ۲۱)؛ همچنین حضرت ابراهیم و انبیای دیگر را الگو و اسوه حسنه و بافضیلت و پاک معرفی فرموده و به داستان آنها پرداخته است تا از آنان پیروی شود. در مقابل این الگوهای صالح، الگوهای ناصالح، مانند همسر حضرت نوح و همسر حضرت لوط را نیز معرفی فرموده، تا از روش آنان پرهیز گردد (رضازاده و عسکری، ۱۳۹۹).

۶. اصل احسان و فضل و مهربانی متمم عدالت

انسان در کنار نیازهای مربوط به جسم و تن نیازهای مرتبط با روح و روان نیز دارد که برخی صاحب‌نظران اهمیت آن را بیشتر از نیازهای فیزیولوژیک می‌دانند. رفتار با عدالت خواست همه ما است؛ اما همگان رفتار متکی بر فضل را بیشتر می‌پسندند. فضل رابطه‌ای مبتنی بر عدم موازنه است، عدم موازنه‌ای فراتر از عدل. هرگاه موازنه برقرار باشد، آن را عدل می‌گوییم و هرگاه از موازنه فاصله بگیریم، در صورتی که فراتر از آن رویم، به فضل رو آورده‌ایم؛ پس عدل دو مقابل دارد: ظلم و فضل و از این دو، ظلم تنها می‌تواند مذموم باشد (باقری، ۱۳۸۵).

احسان در لغت به معنای زیبایی، خوبی، نیکی، شایستگی و مورد پسند به کار رفته است و در اصطلاح با توجه به گستردگی مصادیق و عناصر دخیل در مفهوم احسان و نیز عدم تفکیک کامل بین کاربردهای آن، تعریف واحدی ارائه نشده است؛ ولی به معنای رساندن نفع نیکو و شایسته ستایش به دیگری، کاری که از سر آگاهی و به شکل شایسته انجام پذیرد و نیز انجام کاری به شکل نیکو و با انگیزه خدایی و رساندن خیر یا سودی به دیگری بدون چشم‌داشت هرگونه پاداش، تعریف شده است و در قرآن به سه

معنای انجام دادن کار نیک و اعمال و رفتار صالح، نیکی کردن به دیگران، انجام دادن شایسته کاری در شکل کامل آن به کار رفته است. واژه احسان و مشتقاتی چون حَسَن، حَسَنَةٌ، حَسَنَات، حُسْنی، محسن و أَحْسَن در قرآن نیز فراوان آمده است؛ از جمله می توان به آیه ۶۷ سوره نحل، آیه ۲۰۱ بقره، آیه ۱۱۴ سوره هود، آیه ۱۳۷ سوره اعراف و آیه ۵۹ سوره نساء اشاره کرد. احسان عملی نیکی است که از شخص مؤمن متقی و برای کسب رضای الهی سر می زند و شخص نیکو کار از طریق نعمت هایی که خداوند منان در اختیارش قرار داده است، به مخلوقات خالق یکتا کمک می کند. احسان یکی از مصادیق عمل صالح است که در کنار ایمان در بسیاری از آیات قرآن کریم آمده است. آیات بسیاری درباره انفاق و نیکو کاری، عمل صالح و... در قرآن کریم آمده که در اینجا به چند آیه از آنها اشاره می کنیم.

خداوند در ابتدای سوره لقمان (آیات ۱-۵) کتاب خدا (قرآن) را مایه هدایت و رحمت برای نیکوکاران معرفی می کند و بعد از آن به توصیف نیکوکاران می پردازد و در آیه پنجم نیکوکاران را اهل هدایت و رستگاری معرفی می کند و در آیه ۱۳۴ آل عمران از جمله ویژگی های نیکوکاران را انفاق در نهان و آشکار و فروبردن خشم و گذشت از مردم بیان می کند و می فرماید: «الَّذِينَ يَنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ» همانان که در توانگری و تنگدستی انفاق می کنند و خشم خود را فرو می برند و از خطای مردم می گذرند و خدا نیکوکاران را دوست دارد». در آیه ۲۷۴ سوره بقره نیز نیکوکاران را انفاق کنندگان در شب و روز، پنهان و آشکار معرفی و پاداش ایشان را ضمانت می کند.

در توضیح بیشتر احسان متمم عدالت به عنوان یکی از اصول تربیت افراد با نیاز ویژه باید افزود اگر عدالت را در معنای عام آن، یعنی قراردادن هر چیز در جای خود بدانیم، در این صورت شامل رأفت و احسان نیز خواهد بود؛ اما عدالت در معنای خاص بر حسابگری، دقت، اعطا و حرمان مناسب حق هر کس و هر چیز استوار است؛ درحالی که رأفت و احسان فراتر از مواجهه دقیق و عادلانه و اعطا و بخشش بالاتر از حق و افزودن بر حساب و کتاب است (سند ملی آموزش و پرورش بخش فلسفه تربیت، ۱۳۸۸)؛ بنابراین در برخورد با

دانش آموزان با نیاز ویژه باید به ویژگی‌های خاص آنها توجه کرد و با فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم، شرایط مناسب برای رشد آنها آماده کرد که بتوانند تا حد امکان به صورت مستقل به عنوان یک شهروند در جامعه ایفای نقش کنند. همچنین تربیت و آموزش آنان باید توأم با مهر و محبت و حلم و صبوری باشد.

نتیجه‌گیری

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که با تکیه بر دیدگاه قرآن کریم که بر فطرت مشترک همه انسان‌ها و کرامت و فضیلت ذاتی انسان صرف نظر از تفاوت‌های نژادی و ناتوانی‌های آنها تأکید دارد، باید افراد با نیاز ویژه به عنوان یک شهروند از حقوق مسلم خود برای حضور در جامعه و ایفای نقش و اثرگذاری در جامعه بهره‌مند شوند و نگرش جامعه به آنها به گونه‌ای باشد که ناتوانی افراد به همه ابعاد وجودی آنها سایه نیندازد. این دیدگاه زیربنای تفکر عادی‌سازی است که امروزه با انتقال دانش آموزان با نیازهای ویژه به مدارس عادی اقدامات بزرگی در این راستا صورت گرفته است؛ به علاوه اینکه در راستای آیات قرآنی درباره تفاوت‌های فردی، امروزه براساس اصل تطابق و مناسب‌سازی در آموزش و پرورش دانش آموزان ویژه، با اتخاذ تدابیر و تمهیدات متناسب با نیاز دانش آموزان در جهت تسهیل فرایند رشد و جبران و کاهش محدودیت‌های احتمالی آنها گام‌های مؤثری برداشته شده است. افزون بر اینکه اخیراً اختیار و خودمختاری محور تلاش‌های فراگیرسازی قرار گرفته است؛ بنابراین رویه پیش روی آموزش و پرورش دانش آموزان با نیاز ویژه، با اختیار انسان که از آیات قرآن کریم استدلال شد، همسو است.

در نگاه قرآن، جامعه از افراد تشکیل شده و هر کس به تنهایی تجلی‌گاه ارزش‌هایی است که جامعه دارد. قرآن توجه به فرد انسانی را توجه به همه افراد می‌داند؛ بنابراین از نظر قرآن توجه به نیازها و حقوق تک‌تک افراد جامعه حائز اهمیت و ضروری است. این موارد در دلایل طرفداران نهضت عادی‌سازی نیز مشهود است. احسان متمم عدالت که یکی از اصول تربیت افراد با نیاز ویژه است، در آیات قرآنی

به‌وفور دیده شد؛ بر این اساس در برخورد با دانش‌آموزان با نیاز ویژه باید به ویژگی‌های خاص آنها توجه کرد و با فراهم کردن امکانات و تسهیلات لازم، شرایط مناسب را برای رشد آنها آماده نمود. همچنین تربیت و آموزش آنان باید همراه با مهر و محبت و حلم و صبوری باشد.

خلاصه اینکه انسان و محوریت وجودی او بی‌تردید یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطروح شده در قرآن است و مبانی تعلیم و تربیت دانش‌آموزان با نیاز ویژه و اصول مترتب از این مبانی در آیات فراوانی از قرآن کریم آمده است و آموزش و پرورش دانش‌آموزان با نیاز ویژه امروزه با حرکت در جهت فراگیرسازی بسیار با آموزه‌های این کتاب آسمانی هم‌راستا است.

فهرست منابع

* قرآن کریم

۱. احمدی، صادق. (۱۳۹۹). نگاهی به تعلیم و تربیت از دیدگاه قرآن کریم و ائمه اطهار. تهران: اولین همایش قرآن و روان‌شناسی، <https://civilica.com/doc/1032991>
۲. اسمیت، تام ای سی؛ پولووی، ادوارد ای؛ داوتی، ترزا تبر؛ پتن، جیمز آر؛ داوودی، کارول ای. (۲۰۱۲).
۳. اصغری نکاح، علی‌اصغر. (۱۳۸۶). ضرورت و جایگاه مداخله زودهنگام و آموزش پیش‌دبستانی. مجله تعلیم و تربیت استثنایی (۷۴)، صص ۳-۱۱.
۴. افروز، غلامعلی. (۱۳۸۰). کودکان استثنایی کیستند؟ و آموزش و پرورش استثنایی چیست؟ پیوند، (۲۶)، صص ۲۸۰-۲۹۲.
۵. باقری، خسرو. (۱۳۸۵). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی (ج ۱). تهران: انتشارات مدرسه.
۶. حسینی، سیدجواد؛ عزیزی، نسیم؛ برقی، اسماعیل؛ عظیم عراقی، محمدحسن؛ هداوند، مجید؛ محرابی‌مقدم، حسن و توکلی، مهین. (۱۳۹۹). بسته‌های تحولی و برنامه‌های سال ۱۳۹۹ سازمان آموزش و پرورش استثنایی. تهران: سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور.
۷. خادمی آستانه، زهرا. (۱۳۹۹). موانع تعلیم و تربیت کودکان ابتدایی از منظر قرآن کریم و روان‌شناسی تربیتی. اولین همایش قرآن و روان‌شناسی.
۸. خاری آران، مجید؛ رهنما، اکبر و برخوردار، رسول. (۱۳۹۶). تأمل در فلسفه تربیت کودکان استثنایی مبانی، اهداف و اصول. معرفت، ۲۶ (۲۳۷)، صص ۷۱-۸۴.
۹. رضازاده عسکری، زهرا. (۱۳۹۹). نقش الگوها در تربیت از منظر قرآن کریم و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام). اولین همایش قرآن و روان‌شناسی، تهران: <https://civilica.com/doc/1033092>
۱۰. علمدارلو، قربان؛ حسین‌خانزاده، عباسعلی علیزاده، حمید. (۱۳۹۵). روان‌شناسی و آموزش

دانش‌آموزان با نیاز ویژه (چاپ اول). تهران: نشر ارسباران.

۱۱. سلطانی کوهبنانی سکینه؛ غلامی، نبی‌اله. (۱۳۹۷). نگرشی اخلاقی - حقوقی به جایگاه اصل برابری در حقوق کودکان با نیاز ویژه. مجله اخلاق زیستی، ۸(۲۷)، صص ۱۹-۳۱.

۱۲. سیف، علی‌اکبر. (۱۳۸۷). روان‌شناسی پرورشی نوین: روان‌شناسی یادگیری و آموزش (ویراست ششم). تهران: انتشارات دوران.

۱۳. شمس‌الدینی، نرگس. (۱۳۹۹). انسان‌شناسی از منظر قرآن کریم. اولین همایش قرآن و روان‌شناسی، تهران: <https://civilica.com/doc/1033021>

۱۴. شورای عالی آموزش و پرورش. (۱۳۸۸). سند ملی آموزش و پرورش (بخش فلسفه تربیت).

۱۵. طباطبایی، سیدمحمدحسین. (۱۳۷۴). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

۱۶. کرک، ساموئل ای؛ گالاگر، جیمز جی. (۱۹۲۶م - ۱۳۸۲). آموزش و پرورش کودکان استثنایی (چاپ سوم، مترجم: مجتبی جوادیان). مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

۱۷. لورمن، تیم؛ دپلر، جوان و هاروی، دیوید. (۲۰۰۵م - ۱۳۹۱). آموزش فراگیر: راهنمای عملی در حمایت از یادگیرندگان با توانایی‌های گوناگون (مترجم: احمد به‌پژوه و عباسعلی، حسین خانزاده). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی. (۱۳۹۱). معارف قرآن: خدانشناسی (ج ۱). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.

۱۹. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۵). مجموعه آثار (ج ۱). تهران: صدرا.

۲۰. نبوی، زهراسادات. (۱۳۹۹). آرمان تربیتی دوره ابتدایی بر مبنای منظومه رشد قرآن کریم. اولین همایش قرآن و روان‌شناسی، تهران: <https://civilica.com/doc/1033013>

۲۱. هالاهان، دانیل؛ کافمن، جیمز. (۲۰۰۳م - ۱۳۹۲). دانش‌آموزان استثنایی: مقدمه‌ای بر آموزش ویژه (مترجم: حمید عزیززاده؛ هائیده صابری؛ ژانت هاشمی و مهدی مهی‌الدینی). تهران: نشر ویرایش.

22. Biklen, D. (1982). *Least Restrictive Environment: Its Application to Education*, in G. Melton (Ed), *Child and Youth Services and the Law*. New York: Haworth press.

23. Burke, K. M., Raley, S. K., Shogren, K. A., Hagiwara, M., Mumbardó-Adam, C., Uyanik, H., & Behrens, S. (2018). A meta-analysis of interventions to promote self-determination for students with disabilities. *Remedial and Special Education*. Advance online publication. doi: 10.1177/0741932518802274
24. Goransson, K & Nilholm, C. (2014). Conceptual diversities and empirical Shortcomings – a critical analysis of research on inclusive education. *European Journal of Special Needs Education*, 29(3), pp. 265-280.
25. Gottlieb, J. (1981). Mainstreaming: Fulfilling the promise? *American Journal of Mental Deficiency*, 86(2), pp. 115-126.

References

*The Holy Quran

1. Afrooz, Q. A. (1380 AP). Who are exceptional children? and what is exceptional education? *Peyvand*, (26), pp. 280-292. [In Persian]
2. Ahmadi, S. (1399 AP). *A look at education from the perspective of the Holy Quran and the Imams*. Tehran: The first conference on Quran and psychology, from: <https://civilica.com/doc/1032991>. [In Persian]
3. Alamdarloo, Q., & Khanzadeh, H., & Alizadeh, A. H. (1395 AP). *Psychology and education of students with special needs*. (1st ed.). Tehran: Arasbaran Publications. [In Persian]
4. Asghari Nekah, A. A. (1386 AP). Necessity and place of early intervention and preschool education. *Journal of Exceptional Education*, (74), pp. 3-11. [In Persian]
5. Bagheri, K. (1385 AP). *A New Look at Islamic Education* (Vol. 1). Tehran: Madreseh Publications. [In Persian]
6. Biklen, D. (1982). *Least Restrictive Environment: Its Application to Education*, (G. Melton, Ed.), Child and Youth Services and the Law. New York: Haworth press.
7. Burke, K. M., & Raley, S. K., & Shogren, K. A., & Hagiwara, M., & Mumbardó-Adam, C., Uyanik, H., & Behrens, S. (2018). A meta-analysis of interventions to promote self-determination for students with disabilities. *Remedial and Special Education*. Advance online publication. doi: 10.1177 / 0741932518802274.
8. Goransson, K., & Nilholm, C. (2014). Conceptual diversities and empirical Shortrations - a critical analysis of research on inclusive education. *European Journal of Special Needs Education*, 29(3), pp. 265-280.
9. Gottlieb, J. (1981). Mainstreaming: Fulfilling the promise? *American Journal of Mental Deficiency*, 86(2), pp. 115-126.

10. Hallahan, D., & Kaufman, J. (2003 - 2013). *Exceptional Students: An Introduction to Special Education*. (Alizadeh, H., & Saberi, H., & Hashemi, J., & Mahi Al-Dini, M. Tehran: Virayesh, Publications. [In Persian]
11. Higher Council of Education Ministry. (1388 AP). *National Education Document of Iran*. (Department of Philosophy of Education). [In Persian]
12. Hosseini, S. J., & Azizi, N., & Barghi, E., & Azim Eraqi, M. H., & Hadavand, M., & Mehrabi Moghadam, H., & Tavakoli, M. (1399 AP). *Transformation packages and programs for the year 1399 of the Exceptional Education Organization*. Tehran: The Organization for Exceptional Education of Iran. [In Persian]
13. Khademi Astana, Zahra. (1399 AP). *Barriers to the education of elementary children from the perspective of the Holy Quran and educational psychology*. The first conference on Quran and psychology. [In Persian]
14. Khari Arani, M., & Rahnama, A., & Barkhordar, R. (1396 AP). Reflect on the philosophy of raising exceptional children, principles, goals, and principles. *Journal of Ma'arefat*, 26(237), pp. 71-84. [In Persian]
15. Kirk, S. E., & Gallagher, J. J. (1926 – 1382 AP). *Education of exceptional children*. (3rd ed., Javadian, M. Trans.). Mashhad: Astan Quds Razavi Publications. [In Persian]
16. Lorman, T., & Doppler, Y., & Harvey, D. (2005 -1391 AP). *Inclusive education: A practical guide in supporting learners with different abilities*. (Behpajooch, A., & Hossein Khanzadeh, A. A, Trans.). Tehran: University of Tehran Press. [In Persian]
17. Mesbah Yazdi, M. T. (1391 AP). *Teachings the Qur'an: Theology*. (Vol. 1). Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications. [In Persian]
18. Motahari, M. (1395 AP). *Collection of works* (Vol. 1). Tehran: Sadra. [In Persian]

19. Nabavi, Z. S. (1399 AP). *The educational goal of the elementary school based on the growth system of the Holy Quran*. The first conference on Quran and psychology, Tehran: From: <https://civilica.com/doc/1033013>. [In Persian]
20. Rezazadeh Asgari, Z. (1399 AP). *The role of models in education from the perspective of the Holy Quran and the traditions of the Ahl al-Bayt*. The first conference on Quran and psychology, Tehran: From: <https://civilica.com/doc/1033092>. [In Persian]
21. Seif, A. A. (1387 AP). *Modern Educational Psychology: The Psychology of Learning and Teaching*. (6th ed.). Tehran: Doran Publications. [In Persian]
22. Shamsuddin, N. (1399 AP). *Anthropology from the perspective of the Holy Qur'an*. The first conference on Quran and psychology, Tehran: <https://civilica.com/doc/1033021>. [In Persian]
23. Smith, Tom A. C., & Polovi, E. E., & Davutti, T. A., & Patten, J. R., & David, C. E. (2012).
24. Soltani Kouhbanani, S., & Qolami, N. (1397 AP). Ethical-legal attitude to the place of the principle of equality in the rights of children with special needs. *Journal of Bioethics*, 8(27), pp. 19-31. [In Persian]
25. Tabatabaei, S. M. H. (1374 AP). *Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an*. Qom: Islamic Publications Office. [In Persian]